

الجينات المتقاعدة:

ژنهای بازنشسته:

مما يشير إلى لا عشوائية الطفر الجيني التامة وإلى قانونيته في بعض الأحيان هو الجينات المتقاعدة أو الجينات التي لا تؤدي مهمة الآن، والتي تمثل الغالبية العظمى من الجينات فقد تصل نسبتها في بعض الأحيان إلى 97 بالمئة وأكثر، ولا يعرف علماء الجينات حتى الآن ما هو عملها بالتحديد ويعتبرها بعض علماء الأحياء والجينات مجرد إرث تطوري.

از جمله مواردی که بعضاً برای اشاره به غیرتصادفی بودن مطلق جهش ژنتیکی و ضابطه مند بودن آن به کار می رود، ژنهای بازنشسته یا ژنهای هستند که در حال حاضر کاری انجام نمی دهند. بخش عمده ژنها جزو همین گروه هستند و گاهی اوقات تعداد آنها به ۹۷ درصد و بیشتر می رسد. و دانشمندان ژنتیک تا کنون کارکرد این دسته از ژنها را درک نکرده اند. برخی زیست شناسان این پدیده را فقط یک نوع ارثیه تکامل می دانند.

ويجب الالتفات إلى أنه لو كانت المسألة غير مقننة وهذه الجينات مجرد إرث تطوري غير خاضع لقانون، فالمفروض أن هذه الجينات تبقى تمارس دورها في التأثير على الجسم ولكنها لو استمرت في العمل لشوهت الجسم بشكل كبير وربما تسببت بانقراض الأنواع واندثارها في كثير من الأحيان، فعدم عمل هذه الجينات أيضاً مؤشراً على قانونية الخريطة الجينية ولا عشوائيتها، فما يحصل هنا مماثل لما يحصل عند تنفيذ أي منشأة هندسية فعندما تنفذ بعض أجزاء الخريطة الهندسية لا يعاد تنفيذها مرة أخرى في نفس المشروع الهندسي، فتصور التشوه والفشل الذي سيحصل لو أن تنفيذ الأسس في

منشأ هندسية تكرر مرتين أو ثلاثة، أو أن جزءاً من جهاز هندسي تكرر تنفيذه مرتين أو أكثر. إذن، فوجود هكذا نظام دقيق في الخريطة الجينية بحيث إنها تعطل ذاتياً الأجزاء التي تم تنفيذها يدل لا محالة على قوة مدركة حكيمة ومقننة قد قننت تركيب وعمل هذه الخريطة ووضعتها بهذه الصورة القانونية الدقيقة تماماً كما يدل تنفيذ الخريطة الهندسية بانتظام في الخارج على مصممها ومنفذها.

نکته قابل توجه این است که اگر قضیه بیضابطه باشد و این ژن‌ها صرفاً ارثیه تکامل و فارغ از چهارچوب قاعده و قانون باشند، می‌بایست این ژن‌ها به تأثیرگذاری خود بر بدن ادامه دهند، ولی اگر چنین چیزی رخ دهد، جسم بسیار بدریخت و معیوب می‌شود و چه بسا در اکثر موارد به انقراض و نابودی گونه‌ها منجر شود. بنابراین عدم فعالیت این دسته از ژن‌ها نیز خود نشانه‌ای از ضابطه‌مند و غیرتصادفی بودن نقشه ژنوم‌ها می‌باشد. آنچه در اینجا روی می‌دهد مشابه همان وضعیتی است که به هنگام عملیاتی شدن تأسیسات مهندسی در یک بنا می‌بینیم. هنگامی که بخشی از اجزای این فرآیند پیاده و اجرا می‌شود، ممکن است این قسمت‌ها دیگر در همان پروژه به کار گرفته نشوند. تصور کنید که اجرای دو یا سه‌باره فونداسیون در یک مجتمع، و یا استفاده دو یا چندباره یک دستگاه مهندسی، چه بدشکلی و به‌هم‌ریختگی فاحشی می‌تواند به بار آورد. بنابراین وجود چنین نظام دقیقی در نقشه ژنوم که به‌طور خودکار بخش‌هایی را که قبلاً مورد استفاده قرار داده است را از کار می‌اندازد، ناگزیر بر نیرویی آگاه، حکیم و قانونمند دلالت دارد که وی چنین ترکیبی را قاعده‌مند ساخته و نحوه عمل این نقشه را به گونه‌ای کاملاً دقیق و با حساب و کتاب صورت داده است. همان طور که اجرای نقشه مهندسی در خارج، بر طراح و مجری آن دلالت دارد.

ولعل من الأمثلة على هذه المسألة هو عدم ظهور الشعر مرة أخرى على الإنسان عندما انتقل من أفريقيا إلى المناطق الباردة في العصر الجليدي الأخير مع أنه كان بحاجة لهذه الصفة لمقاومة البرد، ولو أن الجينات وفرت صفة الشعر بشكل كبير وكاف لإحداث التطور لوجدنا أن هناك إنساناً آخر يغطي جسمه الشعر كالغوريلا قد ظهر في روسيا وأوروبا وشمال أمريكا، فكما أن صفة عري الجسد من الشعر والتعرق التي أدت إلى تبريد الجسم هي التي أعطت ميزة للإنسان على بقية المفترسات في السافانا الأفريقية كذلك ستعطي صفة الشعر والفرو الذي يغطي جسم الإنسان صفة تفوق كبيرة أو على الأقل تجعله قادراً على المنافسة بصورة أفضل في المناطق المنجمدة والباردة وخصوصاً في العصر الجليدي الأخير.

یکی از مثال‌هایی که شاهد این موضوع است، عدم پیدایش مجدد مو بر بدن انسان پس از مهاجرت وی از آفریقا به مناطق سردسیر در آخرین عصر یخبندان می‌باشد؛ و حال آنکه وی برای مبارزه با سرما به این قابلیت نیاز داشته است. اگر ژن‌ها ویژگی پیدایش مجدد انبوه موها بر بدن انسان را به گونه‌ای که با رویدادهای تکامل همخوانی داشته باشد فعال می‌کردند، در روسیه و اروپا و آمریکای شمالی ما با نوع دیگری از انسان‌ها که شبیه گوریل، سراسر بدنشان پوشیده از مو بود مواجه می‌شدیم. همان طور که ویژگی بی‌مویی بدن و تعریق که عامل خنک شدن بدن است، مزیتی در اختیار انسان قرار می‌دهد که او را نسبت به دیگر شکارچیان ساواناهای آفریقا برتر می‌سازد، موی خزی که بدن انسان را می‌پوشاند، برتری قابل توجهی به وی اعطا می‌کند یا حداقل او را در رقابت بهتر با رقبا، در مناطق سردسیر و یخبندان و به‌ویژه در آخرین عصر یخبندان یاری می‌رساند.
